

روند مطالعات شهری و جایگاه جغرافیای شهری در ایران

۱- مقدمه :

پدیده شهرنشینی به عنوان شکل ویژه‌ای از استقرار و معیشت انسانی، پیشینهٔ تاریخی بس درازی در ایران دارد. لیکن شیوه و ابعاد بررسی علمی آن از دید جغرافیایی، در کشور ما هنوز گامهای نخستین خود را برمی دارد. نگاهی گذرا به منابع موجود و مطالعات انجام شده دربارهٔ شهر و شهرنشینی، به خوبی گویای فقر شدید منابع جغرافیایی در این زمینه است. از این رو به جرات می توان گفت که مطالعات جغرافیایی شهرهای ایران، هنوز جایگاهی درخور برای خود نیافته است.

اما در همین فاصله محافل جغرافیایی خارجی و در میان آنها فعالتر از همه مکتب جغرافیایی آلمان مطالعات گسترده‌ای درباره شهر و مسائل جغرافیایی آن در ایران انجام داده اند^۱. این منابع اطلاعات علمی گسترده‌ای در اختیار جغرافیدانان ایران قرار می دهند که جسته و گریخته شاهد بهره گیری به جا و شایسته از آنها، از طرف آشنایان با این مکتب در مطالعات

۱- فهرستی از این مطالعات را همکار محترم آقای دکتر مصطفی مؤمنی در

فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۶۶ منتشر کرده اند. قسمت عمده منابع فوق به هنگام نگارش این مقاله در سال ۱۳۶۵ مورد بررسی قرار گرفته بودند، لیکن با انتشار مقاله فوق الذکر برای جلوگیری از تکرار آن در اینجا حذف شدند.

جغرافیایی شهرها هستیم .

هدف این نوشته معرفی و طبقه‌بندی منابع و مطالعاتی است که به‌زبان فارسی در ایران منتشر شده‌اند. اهمیت مطالعات جغرافیایی شهرها از آن جهت ضرورت دارد که به‌دنبال گرایش شدید شهرنشینی به‌تعداد شهرهای ایران به‌سرعت افزوده می‌شود. بدین ترتیب که تعداد آنها از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵ رسیده است و به‌موازات آن تعداد جمعیت شهرنشین از $\frac{۳۱}{۴}$ درصد سال ۱۳۳۵ به حدود ۵۵٪ در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. بحران فضایی در مکان‌یابی شهرها از یک طرف و بحران فضایی حاکم بر محدوده‌های داخلی شهرها از طرف دیگر بیش‌از پیش ریشه جغرافیایی می‌یابند و این درحالی است که جغرافیا کمترین توجه را به این پدیده زمان نشان می‌دهد.

۴- روند مطالعات شهری در ایران

مطالعات شهری در ایران با ناهماهنگیها و ناپیوستگی زیادی همراه بوده است. در طی بیست سالی که شهر و شهرنشینی تحت عنوان جغرافیای شهری وارد مباحث جغرافیایی ایران شده، مسائل شهری به‌ویژه زمینه‌های جغرافیایی آن به‌طور جدی و سیستماتیک مورد بررسی قرار نگرفته است. علت این امر را باید در نابسامانی آموزش جغرافیای شهری در گروه‌های جغرافیایی کشور دانست. نگاهی به‌عناوین درسها و فهرست موضوعی درس جغرافیای شهری که در کتاب اخیر دکتر گنجی (۱۳۶۷) انتشار یافته، به‌خوبی حاکی از این واقعیت است که درس جغرافیای شهری هرگز به‌عنوان یک موضوع اصلی در برنامه‌های آموزشی گروهها مطرح نبوده است. فقر موجود در زمینه منابع جغرافیایی شهرهای ایران نیز ناشی از همین مسأله است.

انتشار کتاب جغرافیای شهری (شکویی، ۱۳۴۸)، مسائل کلی حاکم بر شهرها را از یک دید کلی، در مراکز آموزشی جغرافیا مطرح کرد. یک سال بعد کتاب با ارزش مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران (فرید-

۱۳۴۹)، که هنوز هم از اعتبار والایی برخوردار است، به محافل علمی و دانشگاهی کشور عرضه شد. لیکن در فضای اجتماعی آن روز که سیاست رشد شهرها و تشویق شهرنشینی به هر قیمتی مدنظر بود، بررسی علمی شهر - نشینی و پی آمدهای فضایی ناشی از رشد شتابان شهرها در ایران، که در این کتاب مطرح شده بود، چندان مورد توجه قرار نگرفت، به همین دلیل هم بهار زود گذر مطالعات شهری به سرعت به خزان گرایید. از آن پس در زمینه جغرافیای شهری به طور عام و جغرافیای شهرهای ایران به طور اخص اثر قابل توجهی منتشر نشده است.

اما در طی پانزده سالی که مطالعات جغرافیای شهری در ایران حیات کند خود را پشت سرمی گذاشت، بررسی های شهری در ایران از دیدگاههای مختلف و با فرآیندهای متفاوت انجام گرفت. مطالعات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی شهرها، به عنوان بخشی از جغرافیای اجتماعی شهرها، بدون این که جغرافیدانان در آن سهمی داشته باشند، تا حدود زیادی تحقق یافت. در این میان اطلاعات مربوط به ویژگیهای تاریخی شهرنشینی و سیر تکوینی آن را در ایران مدیون کوشش های احمد اشرف (۱۳۵۳)، حسین کریمان (۱۳۵۴، ۱۳۵۵) و حسین سلطانزاده (۱۳۶۲، ۱۳۶۵) هستیم. به برکت زحمات پربار و علمی آنان، برخی ویژگیهای اجتماعی و کالبدی شهرهای ایران و عناصر تشکیل دهنده آن، همراه بانقش هر یک در طول زمان و بپهنه مکان مورد بررسی قرار گرفت. برخی بررسیهای اجتماعی - اقتصادی نیز، هر چند که مستقیماً عنوان مطالعات شهری را ندارند، لیکن به مقتضای ضرورت توجه زیادی به نقش شهر و شهرنشینی نشان داده و به اهمیت و موقعیت جغرافیایی شهرها در ساخت و صورت بندی های اجتماعی و اقتصادی کشور و فرآیندهای سیاسی حاصل از آن اشاره کرده اند. در این نوشته ها هر چند که اهمیت مکانی و تأثیرات فضایی شهرها به طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته است لیکن در مجموع این عملکردها پوشیده نمانده است. مهمترین این منابع عبارتند از: نوشته های نراقی (۱۳۴۵)، فشاهی (۱۳۵۶)، نعمانی (۱۳۵۸) و اشرف (۱۳۵۹).

بررسی جامعه‌شناسانه‌ای که ادیبی (۱۳۵۶) از شهر کرده در نوع خود مطالعه‌ی باارزشی است. باتمام کوششی که در ارائه‌ی تعریف جامعی از شهر شده به‌نظر می‌رسد دید جامعه‌شناسی - لاقلا در ایران - موفق نشده است. تعریفی فراگیر از شهر ارائه کند. نکته‌ی دیگر در این کتاب، ارزیابی آن از جغرافیای شهری و روش مطالعه‌ی آن در شهر است. نگارنده تأکید می‌کند که جغرافیا شهر را نه به‌عنوان پدیده‌ای مجرد، که در مجموعه‌ای از روابط و مناسبات با پیرامون و پسرانه‌ی آن می‌بیند (ادیبی، ۱۳۵۶، صفحه ۳۵). امری که سالها بعد در برخی مطالعات جغرافیایی شهرها بدان توجه می‌شود.

دومین سری از مطالعات انجام شده شهری عمده^۲ نوشته‌هایی هستند، که توسط گروههای مطالعات شهری و منطقه‌ای، متشکل از معماران و برخی متخصصین علوم اجتماعی، انجام گرفته است. این مجموعه که زیربنای آن با ترجمه منابع مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی شهرها در کشورهای عقب‌افتاده به‌ویژه آمریکای لاتین آغاز شده، ضمن ارائه اطلاعات پایه‌ای از مسایل عام و خاص شهری در جوامع پیرامونی^۲ و نقش حاشیه‌ای^۳ آنها در نظام اقتصادی جهانی، اطلاعات کلی نسبتاً قابل توجهی از پیچیدگی ریشه‌ی روابط شهری به‌دست می‌دهد. لیکن دست‌آورد مشخصی برای ایران و مسائل شهر و شهرنشینی آن ارائه نمی‌دهد. در دو جلدی که تحت عنوان مفهوم شهر (حسامیان و همکاران، ۱۳۵۸) از این گروه منتشر شده، نظریات مختلفی که طی دو قرن اخیر، محور مباحثات شهرنشینی بودند، آورده شده است. جلد دیگری از این مجموعه ترجمه مقالاتی است که «پل‌سینجر» در مورد اقتصاد سیاسی شهرنشینی تدوین کرده است (بیدهندی و حسامیان، ۱۳۵۸). در کتاب وابستگی و شهرنشینی (حسامیان، ۱۳۵۸)، نقش روابط حاکم میان جوامع متروپل و پیرامونی در سازمان‌یابی فضا مورد بررسی قرار گرفته است. کوشش گروه تحقیق و مطالعات

2- Periphery

3- Marginal

شهری و منطقه‌ای سرانجام تحلیل اجتماعی و اقتصادی از روند شهرنشینی در ایران را به صورت کتاب باارزشی شامل مقالات تحقیقی تحت عنوان شهرنشینی در ایران به بار آورد (حسامیان، اعتماد، حایری، ۱۳۶۳). ترجمه و انتشار کتاب جغرافیای شهری جانسون (اعتماد، ۱۳۵۲)، هر چند اعترافی بر اهمیت جغرافیا در مطالعات شهری بود، لیکن نتوانست رغبت جغرافیدانان را به مسائل شهری تحریک کند. روشهای به کار برده شده در این کتاب - عمدهً بانمونه‌هایی از شهرهای غربی، الگویی برای شناخت ویژگیهای شهری در جوامع صنعتی به دست می‌دهد. کتابهای دیگری که تحت عنوان سیمای شهر (مزینی، ۱۳۵۰) و یا شهر و شهرسازی (مزینی، ۱۳۵۰) انتشار یافتند، عمدهً در همین زمینه‌ها بحث کرده‌اند. کتاب روشهای علمی تحلیل مسائل شهری (مزینی، ۱۳۵۶) نیز به دلیل پیچیدگیهای ریاضی و الگوبرداری از محیط دیگر، همانند کتاب بنیادهای شهرسازی مدرن (کوثر، ۱۳۵۵)، با تمام ارزشمندی نتوانست کاربرد مناسبی در مطالعات شهری ایران بیابد. فرصت‌های از دست رفته موجب شد که برخی از کتابهای غیرجغرافیایی کمبود مطلب خود را در زمینه مسایل شهری با مطالب مربوط به جغرافیای شهری رفع کنند (عابدین درکوش، ۱۳۶۴). با تمام اینها حتی آنهایی که کوشش کردند مطالعات جغرافیایی شهر را با عناوین مهمی نظیر شهرک نشینی (شکویی، ۱۳۵۳) و یا نظایر آن از سردرگمی نجات دهند، نتوانستند تحریک لازم را در جغرافیای شهری به وجود آورند.

سومین گروه از مطالعات انجام شده درباره شهرها، که جغرافیا در آن سهم به‌سزایی می‌توانست داشته باشد، مطالعات کالبدی و فضایی شهر است، که عمدهً توسط مهندسين شهرساز و معمار انجام گرفت. حاصل این مطالعات مجموعه‌های ارزشمندی از بررسیهای مربوط به فضا و معماری و طراحی و بافت شهرها هستند، که تاکنون انتشار یافته‌اند. اطلاعات ارزنده‌ای که از ساخت فیزیکی و نظامهای معماری ایران در این نوشته‌ها داده شده است، می‌تواند راهگشای تجزیه و تحلیل‌های گرایش‌های

اجتماعی در شکل‌گیری ابعاد مکانی و فضایی توسعه شهر در آینده نیز باشند. برجسته‌ترین این نوشته‌ها عبارتند از کارهای فلامکی (۱۳۵۷) و (۱۳۶۵)، توسلی (۱۳۶۰ و ۱۳۶۵)، تقوی‌تزاد دیلمی (۱۳۶۳)، کیانی (۱۳۶۵) و کسمایی (۱۳۶۰).

پایه‌پای کتب و نوشته‌های فوق‌الذکر، ترجمه و انتشار کتابهایی نظیر آیین شهرداری ابن‌اخوه (شعار، ۱۳۶۰)، خراسان بزرگ (رنجبر، ۱۳۶۳)، اداره امور شهر (قهاری، ۱۳۶۴) و جغرافیای تاریخی سیراف (سمسار، ۱۳۵۷)، در حد زیادی منابع اطلاعاتی ما را در زمینه نظام شهری و شهرنشینی از گذشته غنا بخشیدند. علاوه بر اینها می‌توان از مطالعات موردی جسته و گریخته درباره شهرهای ایران نام برد، که کتاب جغرافیای اصفهان (شفقی، ۱۳۵۳)، نمونه برجسته آنهاست و نوشته‌های مربوط به شهرهای چالوس (نوشین، ۱۳۵۵)، میانه (مهرداد، ۱۳۵۹)، بروجرد (مقدسی جعفری،)، که به شکل تک نگاری تهیه شده‌اند، اطلاعات مفیدی از شهرهای مزبور به دست می‌دهند.

در سالهای اخیر به دنبال ضرورت تهیه طرحهای هادی و جامع شهری، که خود ناشی از توسعه ناموزون فضای شهری و برهم خوردن توازن جمعیتی شهر و روستا بود، یک سلسله مطالعات موردی درباره شهرهای ایران انجام گرفت. این مطالعات که عمده توسط دفاتر مهندسی مشاور معماری و شهرسازی و یا دفاتر فنی وزارت خانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، برنامه و بودجه صورت گرفته بود، اطلاعات و تصویر به‌هنگامی از وضع موجود در شهرهای ایران به شکل گزارش گونه ارائه می‌دهند. گزارشهای مربوط به طرحهای هادی و جامع شهری هرچند که به دلایل مختلف کارآیی و قابلیت اجرایی مطلوبی - آنطور که وزارت مسکن و شهرسازی و سیاست شهرنشینی و شهرسازی در نظر داشت - نداشتند و باید مورد تجدیدنظر قرار می‌گرفتند، لیکن با وجود این از نظر متدولوژی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در شهر، الگوی نسبتاً خوبی به شمار می‌آیند. این گزارشها حداقل نسبت به نوشته‌های علمی و آموزشی ازارش کاربردی

و عملی بیشتری برخوردار هستند. اما باید توجه داشت که در تهیه این گزارشها به زمینه‌های جغرافیایی شهر و محیط طبیعی بهای کمی داده شده و چه‌بسا از نظر روش مطالعات جغرافیایی نیز الگوی مناسبی انتخاب نشده است.^۴

این بررسی اجمالی از مطالعات انجام شده بر روی شهر و شهرنشینی و طبقه‌بندی آنها بر اساس دیدگاهها و زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد، که جغرافیا در مطالعات شهری ایران سهم بسیار ناچیز و غیر فعالی داشته است. به عبارت دیگر، آنچه هم که در مورد جغرافیای شهری در ادبیات جغرافیایی ایران وجود دارد، یا آنقدر کهنه‌اند که دیگر اعتبار خود را از دست داده‌اند و یا آنقدر عمومی که از پرداختن به مسأله شهر و شهر - نشینی در ایران بازمانده‌اند.

نکته حائز اهمیت در مطالعات جغرافیایی ایران، بررسیهایی است که در کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا درباره شهر و روابط شهر و روستایی ایران انجام گرفته است. هر چند که مطالعات جغرافیای شهری در این کشورها سابقه‌ای دیرینه دارد، لیکن توجه جدی آنها به ویژگیهای شهرهای مشرق زمین از حدود سالهای ۱۹۳۰ میلادی آغاز می‌شود. نخستین برداشتهای جغرافیایی از شهرهای ایران را در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی می‌توان یافت. در این میان می‌توان از سفرنامه‌های تاورنیه (نوری، ۱۳۳۶)، و کمپفر (جهانداری، ۱۳۶۰) یاد کرد، که جغرافیای شهر اصفهان و سیمای آن را در عهد صفویه به‌ویژه در فاصله سالهای ۱۶۳۲ تا ۱۶۸۵ میلادی توصیف کرده‌اند. سفرنامه‌های برجسته دیگر نیز که به توصیف شهر تهران در عهد قاجاریه پرداخته‌اند و می‌توان گفت که از سفرنامه‌های خوب این دوره به‌شمار می‌روند، عبارتند از سفرنامه اوژن

۴- بررسی اجمالی طرحهای تهیه شده که به‌صورت واحد درسی در دوره فوق‌لیسانس جغرافیای دانشگاه تهران توسط نگارنده تدریس می‌شود، نتایج خوبی از نکات ضعف و قوت طرحها به‌دست داده‌است. جمع‌بندی این ارزیابی به‌صورت گزارش مستقلی با همکاری دانشجویان درسی تهیه شده‌است.

فلاندن (نورصادقی، ۱۳۵۶)، سفرنامه پولاک (جهان‌داری، ۱۳۶۱) و کتاب دو جلدی ایران و قضیه ایران، لرد کرزون (وحیدمازندرانی، ۱۳۶۲). توصیفات دیگری از جهانگردان خارجی، که بسیاری از آنها شهرهای مسیر راه و یامحل اقامت خود را شرح داده‌اند، در کتاب با ارزش مسافران تاریخ (نوربخش، ۱۳۶۴) گردآوری شده است.

ادامه روند مطالعات اروپاییان از ایران که ابتدا شکل کشورشناسی داشت، به تدریج به بررسی‌های موضوعی به‌ویژه در زمینه جغرافیا کشیده شد. در تداوم چنین روندی مطالعات قابل توجهی از دید جغرافیایی توسط جغرافیدانان خارجی بر روی شهرهای ایران انجام گرفت. که سرشناس‌ترین آنان عبارتند از: هانس بوبک: تهران (۱۹۵۸)، پل‌وارد انگلیس: کرمان (۱۹۶۶)، کلارک: شیراز (۱۹۶۳) و کرمانشاه (۱۹۶۹)، گزاویه دوپلانول: اصفهان (۱۹۶۹)، اکارت اهلرز: شهرهای ساحلی خزر (۱۹۷۱)، بم (۱۹۷۵)، دزفول (۱۹۷۶) و طبس (۱۹۷۷)، مارسل بازن: قم (بدون تاریخ) مایکل بوناین: یزد (۱۹۷۵)، کاستلو: کاشان (۱۹۷۶)، کوپ: ساری (۱۹۷۷)، اویگن ویرت: اصفهان (۱۹۷۵ و ۷۶)، مارتین زگر: تهران (۱۹۷۸)، کیت تورپ: شهرهای گیلان (۱۹۷۹).

علاوه بر اینها می‌توان از گروه جوانی در میان جغرافیدانان ایرانی نام برد، که با راهنمایی و تشویق دکتر ایرانپور جزنی عمده درمکتب جغرافیایی ماربورگ رساله‌های دکترای خود را با تکیه بر محور جغرافیای شهری یا شکلی از روابط شهر و روستا در ایران تنظیم و تهیه کرده‌اند. تمام این رساله‌ها که به صورت کتاب از طرف دانشگاه ماربورگ یا مؤسسات علمی مربوطه به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از کارهای مؤمنی: ملایر (۱۹۷۶)، رهنمایی: تهران و پسرکانه کوهستانی آن (۱۹۷۹)، سلطانی: اصفهان (۱۹۸۰)، توانا: زابل و پسرکانه روستایی آن (۱۹۸۳)، سعیدی: اسدآباد و حوزه نفوذ آن (۱۹۸۴).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که روند مطالعات جغرافیای شهری ایران در خارج از ایران حرکت نسبه قابل ملاحظه و امیدبخشی داشته است. با

امید اینکه این حرکت علمی بتواند فارغ از گرفتاریهای شغلی و آموزشی کماکان درجهتی مثبت گام بردارد و به سهم خود کمک‌های مؤثری در زمینه‌های برنامه‌ریزی شهری و سازمان‌یابی فضایی شهرهای ایران و تهیه بهترین الگوهای زیست و سکونت انجام دهد، اهمیت جنبه‌های جغرافیایی مطالعات شهری در جدی که مقدور است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- جنبه‌های جغرافیایی مطالعات شهری

به نظر می‌رسد یکی از علل بی‌توجهی به جنبه‌های جغرافیایی در مطالعات شهری عدم وجود همکاری میان جغرافیدانان و دست‌اندرکاران مطالعات شهری باشد. از این رو در بررسی مسائل شهری ایران غالباً شهر به صورت پدیده‌ای مجرد تلقی شده و نقش اثرات محیطی در چگونگی شکل‌گیری و سازمان‌یابی فضایی آن چندان جدی تلقی نشده است^۵. این کم‌توجهی ناشی از دو دلیل است: نخست اینکه اهمیت شناخت جغرافیایی از محیط در سازمانهای آموزشی ما هنوز به درستی ارزیابی نشده است. بنابراین تعجبی نخواهد داشت که نقش شرایط جغرافیایی محیط برای یک شهر ساز و پیا معمار آن طور که باید و شاید روشن نباشد. دیگر اینکه جغرافیدانان ما در رویارویی با مسائل کاربردی و عملی جغرافیا به ویژه در زمینه شهر حرکت فعالی نداشته‌اند. جغرافیای شهری در ایران حتی در زمینه‌های نظری نیز نتوانسته گفته‌های نظریه‌پردازان جغرافیای شهری را به درستی عرضه کند. از این رو لازم است که دانش جغرافیای شهری در کشور و جغرافیای شهری ایران از نو پایه‌ریزی شوند.

برای یافتن جایگاه درست جغرافیا در مطالعات شهری لازم است ابتدا محل علمی آن را در این گونه مطالعات مشخص کنیم. از این رو ناگزیریم تعریفی علمی و متناسب برای شهر و به دنبال آن جغرافیای شهری ارائه

۵- خوشبختانه در سالهای اخیر شاهد توجه روزافزون مسئولین و کارشناسان مطالعات شهری به ضرورت مطالعات جغرافیایی هستیم. نمونه چنین حرکتی در تهیه طرح جامع شهری و منطقه‌ای به چشم می‌خورد.

نماییم. مفهومی که یک جغرافیدان از شهر استنباط می کند، باید از نظر علمی قابل دفاع و توجیه باشد. بنابراین ابتدا باید از شهر یک تعریف جغرافیایی ارائه کرد. با ارزیابی تعاریف گوناگونی که در برخی کتب درسی، منابع شهری و یا جزوه های آموزشی آمده است (شکویی، ۱۳۴۸ و ادیبی، ۱۳۵۶) و نگارنده در اینجا قصد نقد و بررسی آنها را ندارد و صرفاً به ارائه یک تعریف از دیدگاه خود که با بهره گیری از تفکرات جغرافیایی پیش کسوتان این علم تنظیم شده است، بسنده می کند.

در تعریف شهر باید گفت، که شهر قبل از هر مفهومی یک پدیده مکانی و فضایی است^۶. بُعد فضایی و مکانی شهر به دلیل مکان یابی آن در محیط به آن یک خصلت جغرافیایی - (به موازات خصلت های دیگر) - می دهد. بنابراین می توان گفت که شهر عبارت از ابعاد فضایی و مکانی رخنموده های ساخته شده محیطی است، که در آن گروهی از انسانها برای ایفای نقش های اساسی خود نظیر سکونت، کار، تدارک، رفت و آمد و... (شفر ۱۹۶۹)، در تراکم معینی گردهم جمع شده و استقرار می یابند و بدین ترتیب سازمان دهی فضایی محیط و انتظام و انسجام آن را از وجود و حضور خود متأثر می سازند. به عبارت دیگر شهر مجموعه تجسم و تبلور فضایی ایفای نقش های اساسی انسان در محیط جغرافیایی است، که به تناسب امکانات، استعدادها، بضاعت فرهنگی و ذوق و سلیقه های فردی نمود می یابد و شکل گرفته و توسعه می پذیرد. در مفهوم محیطی و به عبارت درست تر جغرافیایی شهر، دو جنبه بسیار ظریف و قابل توجه نهفته است. نخست جنبه ارتباط شهر با محیط جغرافیایی است. محیط جغرافیایی برای یک شهر بستر استقرار و میدان عمل تغییرات فضایی و مکانی به شمار می آید. بنابراین محیط جغرافیایی ظرفی است که مظهر و آن شهر است. اما جنبه دیگر ارتباط شهر با عنصر انسانی است.

۶- فضا و مکان الزاماً تعریف یکسانی ندارند. فضا مفهوم وسیعتری نسبت به مکان دارد و به مجموعه ساختارهای مکانی در ابعاد سطحی و ارتفاعی گفته می شود. از این رو فضا دربرگیرنده اشکال مختلف مکانی است که در نظم معینی نسبت به یکدیگر قرار داشته، کاربری متفاوتی دارند و روابط پیوندی گونه گونی میان آنها برقرار است.

انسان به عنوان يك سمبل حیاتی، که فقط در شکل گروهی و یا ترکیب جنسی دو گانه می تواند به زیست و تداوم بقای خویش ادامه دهد، به منظور ایفای نقش های اساسی خود به تجسم فضایی خویش برای زیست و اعمال مدیریت در محیط و بر محیط به صورت شهر ابعاد فضایی می بخشد. در این فضای شهری خانه (مسکن) فضای سکونت، کارگاه، کارخانه، مغازه، اداره و فضای شغلی و معیشتی او، پارک، خیابان، گردشگاه و فضای فراغتی و آموشد او، کود کستان مدرسه و دانشگاه فضای آموزشی و پرورشی او به شمار می آیند. اجتناب ناپذیری ایفای نقشهای اساسی انسان در شکل گروهی، همانا علت اصلی تجمع و تراکمی است، که پیوسته از آن در شهر بحث می شود و ریشه بسیاری از مسائل شهری را به وجود می آورد. بدین ترتیب باید گفت که شهر ضمن مظروف بودن برای محیط جغرافیایی، خود ظرفی برای مظروف انسان است. انسانی که کنش ها و واکنش های آگاهانه دارد، اندیشمند است و قابلیت سازندگی و تخریب فراوانی را داراست. بنابراین شهر از دو جنبه اهمیت جغرافیایی می یابد، یکی در ارتباط با محیط جغرافیایی و دیگر در ارتباط با محیط اجتماعی یعنی انسان به عنوان مهمترین موجود دگرگونی در چشم انداز محیط.

همان طور که گفته شد، چون انسان فقط در شکل گروهی و جمعی قادر به ادامه حیات است، تجمع گروه های انسانی محیطی را به وجود می آورد، که در جغرافیا از آن به عنوان محیط اجتماعی یاد می شود. با توجه به تعریفی که از شهر ارائه شد یعنی تجسم و نمود فضایی ایفای نقش های اساسی انسان و با شناخت عناصر اصلی سازنده آن یعنی محیط طبیعی و محیط اجتماعی، همچنین مناسبات و روابط حاصل از اثرات متقابل این دو محیط بر یکدیگر ملاحظه می شود که جغرافیای شهری جایگاهی بس موجه و حساس در مطالعات شهری داراست. و علمی است که بررسی منظومه فضایی حاصل از ایفای نقش های اساسی انسان را در محیط به عهده دارد. اشکال مکانی این منظومه از نظر ساخت، بافت، ریخت و سیمای ظاهری همچنین مجموعه سازمان یابی فضایی آن که نمایانگر شکل خاصی از پیکربندی محیط است، تا آنجایی که

با عوامل جغرافیایی داده‌های محیطی و ویژگیهای رفتاری محیط اجتماعی^۷ ارتباط می‌یابد، در حیطه دید و میدان عمل جغرافیای شهری قرار می‌گیرد. پس جغرافیای شهری وظیفه بررسی زمینه‌های محیطی و محتوای اجتماعی شهر را در ارتباط با روابط و مناسبات موجود میان آنها به‌عهده دارد. از آنجایی که شهر پدیده‌ایست پویا^۸ و نه ایستا^۹ بنابراین مطالعه مقطعی آن نمی‌تواند بدون توجه به گذشته انجام گیرد. از این‌رو بررسی گذشته و تاریخ شهر برای تبیین و درک شرایط و وضع موجود همچنین ترسیم خطوط تکاملی و تکوینی آینده ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر. در برنامه‌ریزی شهری توجه به این نکته، درپیش‌بینی روند آتی تحولات (فتورولوژی شهری)^{۱۰}، حائز اهمیت فراوانی است. ارتباط میان حال و گذشته همانند ارتباط میان آینده و حال است.

۴- ویژگیهای پویایی شهر

پویایی شهر در ابعاد مختلف انجام می‌گیرد. ویژگیهای این پویایی از خصلت‌های اصلی عناصر تشکیل‌دهنده آن یعنی محتوای طبیعی و اجتماعی محیط تبعیت می‌کند. بنابراین پویایی شهر می‌تواند در زمینه‌های فضایی، فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی انجام پذیرد.

۱-۴- پویایی فضایی شهر

تحولاتی که در چشم‌انداز فضایی شهر به‌وجود می‌آید، حاکی از دگرگونی عمیق در منظر معیشتی محیط^{۱۱} است. منظر معیشتی یعنی نمودی از فعالیت انسانی، که در پهنه محیط جلوه‌گر می‌شود و نشانگر حیات و تداوم خصوصیت زیستی انسان است، بهترین شاخص تغییرات محیطی به‌شمار می‌آید. پویایی فضایی شهر به‌مقدار زیادی چشم‌انداز معیشتی را دگرگون ساخته و معیارهای جدیدی بر محیط حاکم و جاری می‌سازد. به‌دنبال پویایی

7- Soziale Verhaltensweise طرز رفتار اجتماعی

8- Dynamik

9- Statik

10- Futurology

11- Kulturlandschaft

فضایی شهرزمینهای شهری از نظر شکل کاربری^{۱۲} دچار تحول و دگرگونی می‌شوند. استقرار شهری شکل خاصی را ممکن می‌سازد. از این رو اقتصاد شهری غالباً فاقد خصلت مولد کشاورزی، آن‌طور که در گذشته در شهرهای مشرق‌زمین وجود داشت، می‌باشد و به تبعیت از ذات و نفس جدید اقتصاد شهری به مقدار زیادی به فعالیتهای صنعتی و خدماتی وابسته است. طبیعی است که خصوصیات اشغال فضایی بخش صنعت و خدمات با ویژگیهای چشم‌انداز فضایی بخش کشاورزی یکسان نیست. به همین دلیل پویایی فضایی شهر منظر معیشتی محیط را فقط در اشکال معینی تغییر می‌دهد. در ادامه این پویایی فضای شهری تغییر شکل یافته و علاوه بر آن مکانهای مجاور را نیز در خود می‌بلعد. عوامل محدود کننده طبیعی نظیر تپ ناهمواریها، بافت و خصوصیات فیزیکی خاک، رودخانه، دریا، تالاب و مشکل قابلیت دسترسی، گسترش فضایی شهر را محدود می‌کنند. به همین نسبت برخی عوامل اجتماعی، عرفی و حقوقی، نظیر گورستان، یادمانهای تاریخی و یا زمینهای وقفی نیز نقش محدود کننده دارند. توسعه فضایی شهر بدون توجه به توانهای محیطی و ظرفیت تحمل فیزیکی محیط، ضایعات زیست محیطی شدیدی چه در شهر و چه در نواحی مجاور به بار می‌آورد. بهترین نمونه این چنین توسعه فضایی را می‌توان در شهر تهران مشاهده کرد. آلودگی آبهای زیرزمینی تهران به مواد شیمیایی و پلاک کننده و غیره نه تنها بالا آمدن سطح آبهای زیرزمینی در نواحی جنوبی شهر را موجب شده، بلکه تا حدود زیادی ترکیب شیمیایی خاک را نیز از نظر حیاتی مختل کرده است. اثرات فضایی این آلودگی تا شعاع وسیعی در روستاهای جنوبی تهران به ویژه بر روی زمینهای زراعتی آن به چشم می‌خورد. نمونه دیگر توسعه بی‌رویه فضایی شهر رشت است. آلودگیهای حاصل از فاضلاب شهری و صنعتی در سالهای اخیر بخش قابل توجهی از جنوب تالاب اتزلی را از نظر حیاتی به محیطی مرده تبدیل کرده است. روند چنین اثراتی را می‌توان در حاشیه بسیاری از شهرهای بزرگ ایران مشاهده کرد.

توسعه فضایی شهر به عنوان شکلی از پویایی آن، هرچند که نمود فیزیکی دارد، لیکن حاصل فعل و انفعالات درونی در ساخت اجتماعی و اقتصادی شهر است. شهرها به دلیل جنب و جوش اجتماعی و اقتصادی خود به مراکز فعال تبدیل شده و نیروهای فعال را پیوسته به سوی خود جذب می کنند. این عناصر جدید برای ایفای نقش های اساسی خود پیوسته به فضا و مکان جدیدی نیاز پیدا می کنند و همین امر پویایی و توسعه فضایی شهر را با ساختهای مکانی مختلف موجب می شود.

۲-۴- پویایی فیزیکی شهر

ساخت فیزیکی شهرها به تناسب رشد و توسعه آن دستخوش تغییر می شود. شهرها نه تنها در سطح فضایی گسترش می یابند، بلکه از نظر فیزیکی و سیمای ظاهری نیز متحول می شوند. تغییراتی که در ساخت فیزیکی شهرها به وجود می آید منشاء مادی یا فرهنگی دارند. بدین معنی که عمومیت یافتن نوع خاصی از معماری و یا دسترسی به مصالح ساختمانی معین، سیمای ظاهری شهر را در روند پویایی فیزیکی آن متحول می سازد. فضاهای ساخته شده شهری به دنبال پویایی فیزیکی خود از دوره ای به دوره دیگر نوسازی و بازسازی می شوند و چه بسا در طی چنین روندی چهره و سیمای کاملاً دیگری به خود می گیرند. تغییراتی که در ساخت فیزیکی بناهای شهری ایران در طی دهه های اخیر صورت گرفته و به دنبال آن مصالح جدیدی نظیر آهن، آلومینیوم، بتون آرمه، استفاده از سیستم پیش ساخته، جایگزین مصالح سنتی شده اند، همچنین تحولاتی که در نما و مصالح مربوط به نمای ساختمان به وجود آمده (آجر، تراورتن، سنگ میگون، شیشه، فلز، آجر سه سانتی)

به خوبی نمایانگر روند جدیدی در پویایی فیزیکی شهر هستند.

در بسیاری موارد ساخت فیزیکی شهر تطبیقی روشن و آگاهانه با شرایط محیطی نشان می دهد. از این قبیل اند استفاده از سقفهای گنبدی و یا تعبیه بادگیرهای سنتی در جهات روبه باد، یا به کارگیری سقف شیب دار در شمال ایران و پوشش آن به وسیله پوشال، سفال، حلبی و نظایر آنها. اثرات شناخت انسان از محیط و بهره گیری از توانهای آن در ساخت فیزیکی و فضایی

مسکن یا هر گونه اقامتگاه دیگر بسیار عمیقتر و متنوعتر از آنست که ما تا کنون دریافته‌ایم. مطالعات معماری و یا جغرافیایی شهرها و اقامتگاهها در کشور ما بیشتر متوجه نواحی مرکزی و حاشیه کویری هستند. در حالی که نواحی شمالی ایران نیز استغناى فراوانی در این زمینه دارند. نظری گذرا به ساخت خانه‌های قدیمی در سواحل پست دریای خزر نشان می‌دهد، که طراحی فیزیکی ساختمانها به مقدار زیادی متکی بر شناخت و معرفت موجود از شرایط محیطی بوده است. مثلاً در ساخت خانه‌های سنتی در تالش بخش شرقی خانه‌ها دو طبقه و بخش غربی آن یک طبقه است. فضای دو طبقه شرقی از نظر استفاده کاربری متفاوتی دارد. طبقه پایین اختصاص به انبار و یا طویله دارد. لیکن طبقه بالا به دو قسمت تقسیم می‌شود، قسمت جنوب و شرق آن به صورت ایوانی باز گذاشته می‌شود که تالار نام دارد. نیمه دیگر نیز به صورت اطاقی ساخته می‌شود که به آن بالاخانه گفته می‌شود. علت احداث «تالار» یا ایوان شرقی در ساختمانها همانا استفاده از باد شرقی به نام باد خزری در تابستانهاست، که به دلیل اختلاف فیزیکی میان خشکی و دریا از نیمروز به بعد می‌وزد. حتی در معماری جدید نیز گهگاه زمینه استفاده از باد شرقی در ساختمانها رعایت می‌شود.

رعایت برخی ساختهای دیگر در سیمای فیزیکی شهر به چشم می‌خورد، که عمیقاً ریشه فرهنگی دارد. مثلاً حریم خانه‌ها در شهرهای شرقی باد یوار بلندی از کوچه و خیابان جدا می‌شود، در حالی که مرز این حریم در شهرهای اروپایی توسط پرچین چوبی یا گیاهی مشخص می‌شود. وجود دیوار میان فضای خصوصی و عمومی در شهرهای شرقی نمودی از یک خصلت فرهنگی و اجتماعی است که در ساخت فیزیکی بناها دیده می‌شود. این دیوارها از یک طرف همانند حصار و برج و بارو نقش حفاظتی داشته، از طرف دیگر حریم اختصاصی مورد نیاز را از تعرض دید و اشراف دیگران محفوظ نگه می‌دارد و بدین ترتیب ضابطه ملموسی برای صور مالکیت و اعمال شخصیت فردگرایی^{۱۳} به شمار می‌آید، که در مشرق زمین عمومیت دارد. اثرات

فیزیکی زمینه‌های فرهنگی حتی در ساخت سردر خانه‌ها نیز خود را نشان می‌دهد. در خانه‌های قدیمی سردر ساختمانها در شکلی دهلیزوار و با عمقی مناسب از کوچه و خیابان به سمت داخل عقب‌نشسته (توسلی، ۱۳۶۵، صفحه ۷۱ و فلامکی، ۱۳۵۷، صفحه ۲۶۹) و برای جلوگیری از نفوذ دید مستقیم از بیرون، دالان ورودی با پیچ زاویه‌داری به فضای داخل خانه منتهی می‌شود. رعایت این خصوصیات در ساختهای جدید به مقدار زیاد کنار گذاشته شده است. لیکن این بدان معنا نیست که توجه به چنین بُعدی به عنوان یک مسؤولیت اجتماعی در طراحی فضا و مکان نیز فراموش شود.^{۱۴}

پویایی فیزیکی شهر همانند پویایی فضایی آن به شدت از تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. ساخت و بافت فیزیکی (کالبدی) شهر در محلات قدیمی تحت تأثیر فرهنگ مادی و معنوی و سنن و تکنیک زمانی حاکم به وجود آمده است. این ساخت فیزیکی که با کوچه‌های تنگ و باریک و غالباً بن‌بست، خیابانهای کم‌عرض، جهت‌گیری خیابانها به سوی مرکز شهر و بازار، محلات مرزبندی‌شده بافت پیوسته ساختمانی، نبود مرز معین میان خیابان و پیاده‌رو و بسیاری نمودهای دیگر در بخش قدیمی شهرهای ایران مشخص می‌شوند، حاصل شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم در فضای زیستی و معیشتی گذشته شهر می‌باشند. الگوهای ساختمانی و معماری رایج نیز که پولاک در سال ۱۸۶۵ م. (سفرنامه پولاک، صفحه ۵۱) در نمونه تهران بدان اشاره کرده، به خوبی تجسم فضایی مسکن را با تکیه بر معیارهای اجتماعی و اقتصادی زمان نشان می‌دهد. ساخت فیزیکی بخش

۱۴- در سازمان‌دهی فضایی مسکن امروزه مسائل درون فضایی خاصی که ریشه فرهنگی و اجتماعی دارد مطرح است. از این رو وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به اهمیت مسأله مشرفیت در جستجوی راه‌حل مناسبی است که با معیارهای اجتماعی و فنی و معماری مطابقت داشته باشد و بتواند ساختمانهای پست‌ترا در مقابل ساختمانهای بلند تا جایی که مقدور است، از معرض دید و اشراق - لاقل به فضای درونی خانه‌ها محفوظ نگه‌دارد.

قدیمی شهرهای ایران در برخی موارد هنوز ریخت و سیمای ظاهری خود را حفظ کرده است. از نظر جغرافیایی بخش‌های قدیمی شهرها که در اصطلاح معماری بافت قدیمی نامیده می‌شود، بر روی نقشه‌های شهری از محلات نوساز به خوبی قابل تمیز هستند. این بافت که خصوصیات فیزیکی آن ساخت متراکم و گذرگاه‌های بن‌بست و پرپیچ‌وخم است^{۱۰}، هرچند که در دوره نوسازی شهری ایران با عبور چند خیابان متقاطع و نسبتاً عریض تا حدودی متحول شد، لیکن هنوز کم‌وبیش سیمای ظاهری آن^{۱۱}، شکل سنتی خود را با بسیاری از محتویات اجتماعی و اقتصادی حفظ کرده است.

در روند پویایی فیزیکی شهر، سیمای ظاهری محلات جدید به شدت و سرعت تغییر یافته و بافت غیرهندسی قدیمی به تدریج توسط بافت شبکه‌ای، خیابانهای مستقیم و خانه‌های هم‌ارتفاع و ردیفی جایگزین می‌شود. این روند که تا سالهای دهه ۳۰ و حتی ۴۰ در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر رواج داشت، یکی از بهترین و کارآمدترین تیپ معماری و سازمان‌دهی فضایی شهر در ایران به‌شمار می‌رود. کارآمد از این نظر که با توجه به شرایط جغرافیایی طبیعی حاکم در تهران قطر دیوارها، اندازه پنجره‌ها، مبادی ورودی، نورگیری و تقسیم فضایی درون خانه‌ها از یک تناسب نسبی برخوردار بوده است. بسیاری از خانه‌ها دارای حیاط و یا ایوان سایبانی در طبقات بالا بوده

۱۵- برای توجیه کوچه‌های بن‌بست و تنگ و باریک علل مختلفی را می‌توان عنوان کرد. از جمله عامل دفاعی در مقابل تهاجم بیرونی را باید نام برد. کوچه‌های تنگ و بن‌بست امکان عبور گروه زیادی از مهاجمین را محدود می‌کرد و بدین ترتیب ساکنین محلات به راحتی می‌توانستند از خود دفاع کنند. کوچه‌های بن‌بست امکان حمله را فقط از یک طرف ممکن می‌ساخت، که در این صورت نیز اقدامات تدافعی فقط به یک جهت متوجه می‌شد. علاوه بر اینها می‌توان از عواملی نظیر مالکیت، تصرف و یا اعمال محدودیت‌های تعمدی در رفت‌وآمد ساکنان محلات دیگر، برای کنترل امنیت محله و کوچه و برخی مسائل حقوقی دیگر در شکل‌گیری کوچه‌های باریک و بن‌بست یاد کرد.

و ابعاد پنجره‌ها با توجه به طول ساعات آفتابی (حدود ۲۷۰ روز یا تقریباً ۳۰۰۰ ساعت در سال) در مقابل نفوذ نور، سرما و گرما از تناسب نسبت خوبی برخوردار بوده است.^{۱۷} این توازن طی دوره‌های بعدی به شدت برهم خورده و معادلات لازم میان ابعاد پنجره‌ها و قطر دیوارها از یک طرف و قابلیت نفوذ سرما و گرما و نورگیری از طرف دیگر درهم ریخته است. برقراری این بی‌نظمی فیزیکی در ساخت شهرها که طی آن استفاده از دیوارهای تیغه‌ای برای جدا کردن فضاها و یا به کاربردن پنجره‌های بزرگ شیشه‌ای در ضلع جنوبی عمومیت یافت، موجب شد که ساختمانهای شهری در مقابل تغییرات دمایی مقاومت چندانی نداشته باشند و خانه‌ها در فصل سرما با مشکل گرمایش و در فصل تابستان با مشکل سرماپوشی روبرو شوند.

با پویش فراینده و سریعی که ساخت فیزیکی شهر از سالهای ۵۰ به بعد یعنی اوج دوره رشد شهرها و هرج و مرج معماری ایران به خود می‌گیرد، ابعاد ناموزونی سیمای شهری در ایران آن‌چنان وسعت می‌یابد، که حتی تدوین قوانین سخت و برخورد های قهرآمیز شهرداریها نیز از بروز و ادامه آن عاجز می‌ماند.^{۱۸} نتیجه آنکه شهرهای ایران به ویژه سیمای فیزیکی آن به صورتی بی‌هویت و فاقد هرگونه اصالت و اعتبار درآمده و ناهنجاریهای وسیعی در زمینه‌های زیستی، تدارک‌رسانی، خدماتی و ارتباطات بروز می‌کند. بدین ترتیب در بخش‌هایی از شهر به دنبال رشد بی‌رویه و بدون ضابطه آن، ارزش معنوی مسکن و سازمان فضایی آن به عنوان کانون آسایش به شدت تنزل می‌یابد. این بحث تحت عنوان آسیب‌شناسی شهری (پاتولوژی شهری) امروزه چه از نظر جغرافیدانان و چه از دید جامعه‌شناسان و روانشناسان حائز اهمیت فراوانی است.

۱۷- ن. ک. رهنمایی، ۱۹۷۹.

۱۸- بهترین مثال مربوط به این قوانین جرایم تخلفات ساختمانی و بازخریدان از شهرداری است. این امر هرج و مرج معماری و ناموزونی سیمای فیزیکی شهر را به مقدار زیادی تشدید کرده است.

۳-۴- پویایی اجتماعی و اقتصادی شهر

پویایی شهر در زمینه‌های فوق هر چند به‌کندی صورت می‌گیرد، لیکن اثرات فضایی و فیزیکی آن بسیار چشمگیر است. ساخت اجتماعی محیط شهری ایران در گذشته با آنچه که امروزه در جامعه شهری می‌توان دید تفاوت‌های چشمگیری دارد. محله‌های شهری در گذشته هر یک به‌گروه اجتماعی معینی اختصاص داشت و جدایی‌گزینی آنها غالباً بر اساس نقش و منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و یا ضوابط قومی، قبیله‌ای، دینی و مذهبی استوار بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵، صفحه ۲۳۷). پویایی اجتماعی شهر که رابطه تنگاتنگی با پویایی اقتصادی آن دارد، مرحله جدایی‌گزینی را در شهرهای ایران به‌شدت دگرگون کرد. در طی این روند دو تغییر اساسی در ساخت اجتماعی شهرها به‌وجود آمدند، که اثرات وسیعی در ساخت فیزیکی و فضایی شهری برجای گذاشتند: نخست اینکه محلات قدیمی که به‌طور سنتی در کانون و مرکز شهر قرار داشتند، از عناصر طبقات مرفه و متشخص شهری تخلیه شدند، و دیگر اینکه توسعه حومه‌نشینی در اطراف شهرها - به‌ویژه در نقاط خوش آب‌وهوا - جدایی‌گزینی شهری را نه تنها از نظر اجتماعی، که از نظر جغرافیایی نیز ابعادی تازه بخشید. بدین ترتیب محله‌های قدیمی به‌تدریج به‌محل سکونت طبقات فرودست جامعه شهری تبدیل شدند. خیابان‌های اصلی که روزگاری سکونت در آنها موجب اعتبار اجتماعی بود به‌دلیل سروصدا و شلوغی ناشی از موتوریزه‌شدن و سایب‌نقلیه، همچنین بالارفتن ارزش تجاری و اقتصادی آن نقش سکوتی خود را از دست داده و به‌مرکز دادوستد و ارائه سرویس‌های خدماتی و کارگاهی تبدیل شدند. فضاهای کنار خیابان‌های اصلی به‌مغازه تبدیل شده و با عرضه خدمات کالایی در فروشگاه‌های ویتروینی به‌نوعی تخصص‌گرایی کشف شده شدند. مغازه‌های ویتروینی که خود عاملی برای عمده‌فروشی‌های بازار به‌شمار می‌آیند، نه تنها نقش بازار را تضعیف نکردند، بلکه با ایجاد سهولت دسترسی برای مشتری، زمینه مکانی عرضه کالا را وسعت بخشیدند. محله‌های جدید مرفه‌نشین با برخورداری از امتیازات خدماتی و تجهیزاتی عمومی و با ساخت

فیزیکی برخوردار از ضوابط رفاهی و سازمان‌یابی فضایی نسبتاً منظم و هماهنگ، چهره جدیدی به‌سیمای شهرها دادند، که به‌خوبی از محله‌های سنتی متمایز هستند. به‌طوری‌که در سیمای بسیاری از شهرهای ایران می‌توان تفاوت‌های زمان و تاریخ را فقط در فاصله‌ای اندک مشاهده کرد. با پیوستن عناصر مهاجر به حاشیه شهرهای بزرگ و پیدایش زاغه‌نشینان در کنار آنها، جدایی‌گزینی اجتماعی شهر بیش‌ازپیش خصلت طبقاتی به‌خود گرفته و از قید دیگر ضوابط تعیین‌کننده گذشته، به‌ویژه ضوابط اجتماعی آزاد شد.

در پویایی اقتصادی شهر، بازار به‌عنوان کانون حیات اقتصادی و مرکز مبادله کالایی نقش بس‌مهمی به‌عهده دارد. بازار نه‌تنها بر شهر بلکه بر پسرکانه روستایی شهرها نیز اشراف اقتصادی دارد و پیوسته کوشش می‌کند که شعاع عملکرد و حوزه نفوذ خود را وسعت بخشد. بازار با نقش سازمان‌دهی مبادله تولیدات شهری و روستایی، ابتکار روابط و مناسبات میان شهر و روستا را به‌دست می‌گیرد و از این طریق با انباشت سرمایه در شهر برای عناصر شهری موقعیت اقتصادی بهتر و منزلت اجتماعی بالاتری را موجب می‌شود.^{۱۹}

پویایی اجتماعی و اقتصادی شهر چشم‌انداز فضایی آن را به واحدهای جغرافیایی متعددی تقسیم کرده‌است. از نظر منزلت اجتماعی و اقتصادی شهرها به محلات مختلف تقسیم می‌شوند. ساختارهای فضایی و فیزیکی هر یک از این محلات به‌تبعیت از ساخت اجتماعی ساکنان، جلوه خاص خود

۱۹- انقلاب مشروطیت ایران خود حاصل چنین مبارزه اجتماعی میان سوداگران شهری از یک‌طرف و عناصر زمین‌دار و عشایر سنتی از طرف دیگر بود، که حکومت و قدرت را در دست داشتند. به‌دنبال انقلاب مشروطیت که بازتاب تعرضی عناصر شهری در مقابل نیروهای اجتماعی حاکم بود، قدرت سیاسی و حکومتی کشور به‌تدریج از دست طبقات اشراف خارج شده و به‌دست عناصر شهری جدید یا نمایندگان سیاسی آنها سپرده شد. نیروهای جدید شهرنشین با به‌دست گرفتن قدرت در رشد و توسعه شهرها همت گماشتند و به‌همان‌نسبت به سازمانهای اجتماعی روستائین و کوچ‌نشین بی‌مهری نشان دادند و بدین‌ترتیب نیروی آنان را به‌خود وابسته کردند.

را داراست. شهرها نه تنها در درون خود دچار تحول می‌شوند، بلکه روابط آنها با یکدیگر نیز شدیداً دگرگون می‌شود. در نظام جدید، نقش سلسله مراتبی شهرها تشدید یافته و پایتخت با به دست گرفتن اهرمهای قدرت و تمرکز نقش‌های مختلف در آن یکه تاز حیات اجتماعی و اقتصادی شهر در کشور می‌شود. نظام سلسله مراتب شهری در ایران با تقویت نقش تهران فاصله آن را با شهرهای درجه دوم کشور (مراکز استانها) زیادتر کرده و بدین ترتیب ناهماهنگی محیطی را در سازمان‌یابی فضایی میان روستا، شهر ناحیه‌ای، مادر شهر ناحیه‌ای و مرکز تشدید کرده است.

۵- جمع‌بندی

تحولات سیاسی - اجتماعی که از اوایل این قرن در کشور اتفاق افتاد. نقش نیروهای اجتماعی شهرنشین را تقویت بخشید. جامعه شهری با بهره‌گیری از امتیازات کلیدی به تثبیت موقعیت خود پرداخت. و با توجه به خصلت‌های ذاتی موجود در نظام سوداگری و محافظه‌کاری تاریخی آن سازمان‌یابی فضایی جدید شهری را فقط بر اساس الگوهای سنتی و تصور خود سامان بخشید. لیکن با استفاده از ابزار جدید به ساخت فیزیکی بخشهای نوساز شهری چهره‌ای دیگر داد. نظام سوداگری با توسعه مراکز خرید جدید، پاساژها، مغازه‌های ویتروینی، فروشگاههای زنجیره‌ای و ... فقط شکل و ابعاد فضایی ساختارهای شهری را دگرگون کرد. به دنبال تغییر در شکل کاربردی فضا ارزشهای اقتصادی و اجتماعی محیط نیز عوض شدند. این تحولات چشم‌انداز و منظر معیشتی را در شعاع دور و نزدیک شهرها تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب سیمای جغرافیائی جدیدی برای محیط به وجود آوردند. از همین روست که نقش جغرافیا در مطالعات شهری روز به روز مهمتر شده و بخش جغرافیای شهری در بررسی مسائل شهری حساسیت بیشتری می‌یابد. اگر قبول کنیم که شهر جلوه فضایی ایفای نقش‌های اساسی انسان است باید گفت که سهم جغرافیا در تجزیه و تحلیل فضا و مکان و برقراری نظم و منطقی و عقلایی برای اعمال

مدیریت صحیح انسان در محیط و بر محیط به جای خود محفوظ است و این رسالتی است که امروزه جغرافیای مسؤول برای خود قایل است و باید در انجام آن کوشش کند .

کتابشناسی

- ۱- ادیبی، حسین : مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری تهران ۱۳۵۶
- ۲- اشرف، احمد: ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی تهران ۱۳۵۳
- ۳- اشرف، احمد : موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار، انتشارات زمینه تهران ۱۳۵۹
- ۴- اعتماد، گیتی : جغرافیای شهری، ترجمه، انتشارات دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) تهران ۱۳۵۲
- ۵- اوژن، فلاندن : سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم تهران ۱۳۵۶
- ۶- پولاک، د. ا. د : سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری تهران ۱۳۶۱
- ۷- تاورینه، ژ. ب : سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری به تصحیح دکتر حمید شیرانی تهران ۱۳۳۶
- ۸- تقوی‌نژاد دلمی، محمدرضا : معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان تهران ۱۳۶۳
- ۹- توسلی، محمود : ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران تهران ۱۳۶۰
- ۱- توسلی، محمود : اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران تهران، وزارت مسکن و شهرسازی ۱۳۶۵
- ۱۱- حسامیان، فرخ : وابستگی و شهرنشینی (ترجمه) تهران ۱۳۵۸
- ۱۲- حسامیان، فرخ و همکاران : مفهوم شهر او ۲ تهران ۱۳۵۸
- ۱۳- حسامیان، اعتماد، حایری : شهرنشینی در ایران تهران ۱۳۶۳
- ۱۴- رنجبر، احمد : خراسان بزرگ تهران ۱۳۶۳
- ۱۵- سلطان‌زاده، حسین: روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران تهران ۱۳۶۲

روند مطالعات شهری و ... ۹۳

- ۱۶- سلطانزاده، حسین: مقدمه بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران تهران ۱۳۶۵
- ۱۷- سمسار، محمدحسن: جغرافیای تاریخی سیراف تهران ۱۳۵۷
- ۱۸- شعار، جعفر: آیین شهرداری (ترجمه) تهران ۱۳۶۰
- ۱۹- شفق، سیروس: جغرافیای اصفهان - انتشارات دانشگاه اصفهان ۱۴۴
اصفهان ۱۳۵۲
- ۲۰- شکویی، حسین: جغرافیای شهری، انتشارات دانشگاه تبریز، بخش او ۲
۱۳۴۸ و ۱۳۵۰
- ۲۱- شکویی، حسین: شهرکهای جدید تبریز ۱۳۵۲
- ۲۲- عابدین درکوش، سعید: درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۶۴
- ۲۳- فشاهی، محمدرضا: واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال تهران ۱۳۵۶
- ۲۴- فرید، یدالله: مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران، انتشارات دانشگاه تبریز تهران ۱۳۴۹
- ۲۵- فلامکی، محمدمنصور: سیری در تجارب مرمت شهری تهران ۱۳۵۷
- ۲۶- فلامکی، محمدمنصور: باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران ۱۳۶۵
- ۲۷- قهاری، منوچهر: اندازه امور شهر مطالعات فرنگی تهران ۱۳۶۴
- ۲۸- کاظمی، بیدهندی و حسامیان: اقتصاد سیاسی و شهرنشینی (ترجمه) تهران ۱۳۵۸
- ۲۹- کریمان، حسین: ری باستان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) تهران ۱۳۵۴
- ۳۰- کریمان، حسین: تهران در گذشته و حال، انتشارات دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) تهران ۱۳۵۵
- ۳۱- کسمایی، مرتضی: اقلیم و معماری، انتشارات شرکت خانه‌سازی ایران تهران ۱۳۶۳
- ۳۲- کوثر، مهدی: بنیادهای شهرسازی مدرن (ترجمه) تهران ۱۳۵۵
- ۳۳- کیانی، محمدیوسف: (به‌کوشش) نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران تهران ۱۳۶۵

۹۴ فصلنامه تحقیقات جغرافیائی

- ۳۴- کرزون، ج، ن : ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی،
جلد دوم
تهران ۱۳۶۲
- ۳۵- کمپفر، ا. : سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری
تهران ۱۳۶۰
- ۳۶- مزینی، منوچهر : سیمای شهر (ترجمه) ، نوشته کوین لینچ،
انتشارات دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی)
تهران ۱۳۵۰
- ۳۷- مزینی، منوچهر : مقالاتی در باب شهر و شهرسازی (ترجمه) ،
انتشارات دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی)
تهران ۱۳۵۰
- ۳۸- مزینی، منوچهر : روشهای علمی تحلیل مسائل شهری (ترجمه)
تهران ۱۳۵۶
- ۳۹- مقدسی، جعفری، محمدجواد : جغرافیای شهرستان بروجرد
۴۰- مؤمنی، مصطفی : مآخذ شناسی، جغرافیایی ایران، فصلنامه
تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵،
۱۳۶۶
- ۴۱- مهداد، قاسم : شهرستان میانه
۱۳۵۹
- ۴۲- نراقی، حسن : تاریخ اجتماعی کاشان
تهران ۱۳۴۵
- ۴۳- نعمانی، فرهاد : تکامل فنودالیزم در ایران
تهران ۱۳۵۸
- ۴۴- نوشین، جواد : چالوس
۱۳۵۵
- ۴۵- نوربخش، مسعود : مسافران تاریخ
تهران ۱۳۶۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی